فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc210485224)

[تکرار بحث قبلی 2](#_Toc210485225)

[معنای چهارم 2](#_Toc210485226)

[مطلب اول 2](#_Toc210485227)

[مطلب دوم 3](#_Toc210485228)

[احتمال اول 3](#_Toc210485229)

[احتمال دوم 3](#_Toc210485230)

[احتمال سوم 4](#_Toc210485231)

[خلاصه بحث 5](#_Toc210485232)

[حالت اول 5](#_Toc210485233)

[احتمال دوم 6](#_Toc210485234)

[فتحصل مماذکرنا 8](#_Toc210485235)

[مبحث ششم 8](#_Toc210485236)

**موضوع: مبحث نگاه /اخـتـلاط**

# پیشگفتار

بحث در دلیل دیگری از آیات قرآن در ارتباط مباحث اختلاط بود و در این آیه شریفه تبرج، ابتدا بررسی کردیم بحث **﴿قَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ﴾** را و بعد در مبحث پنجم به فراز **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾**.

به یک شکلی مباحث گذشته با تنظیمی که مقداری تفاوت دارد را عرض خواهم کرد و ادامه آن نکات.

# تکرار بحث قبلی

در حقیقت ما در **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾**، عرض کردیم که این جمله می‌تواند مفهوم کنایی داشته باشد که سه احتمال کنایی مطرح شد؛

۱- کنایه خروج از بیت

۲- کنایه حجاب

۳- کنایه از عدم اختلاط

که این سه معنا را کنار گذاشتیم و گفتیم اصل این است که معنای حقیقی را اراده کرد.

# معنای چهارم

این بود که تبرج در اینجا همان معنای لغوی و مذکور در لغت و متبادر به ذهن باید حمل کرد که اظهار الزینة و المحاسن و معنایی است که در لغت آمده است. این معنای چهارم معنای درستی است.

منتهی ذیل معنای چهارم که عرض شد، دو سه مطلب اینجا اهمیت داشت؛

## مطلب اول

این بود که آیا توسعه معنایی در این تبرج انجام شده است یا خیر؟ که مفصل بحث کردیم و ابتدا ما احتمال‌ عدم توسعه را ترجیح دادیم و در جلسه دیگری احتمال توسعه معنایی را ترجیح دادیم و گفتیم بعید نیست که تبرج در اینجا علاوه بر تبرج در زمینه جنسیتی و مسائل مربوط به جنسی، به حوزه‌های اجتماعی و سیاسی هم تعمیم داده شده است.

این یک مطلب بود که بررسی کردیم هم در نهایت تعمیم و توسعه را در معنای تبرج ترجیحی دادیم و بعد در سه شکل وجه فنی آن را بیان کردیم.

## مطلب دوم

پس از انتخاب معنای ظاهر که معنای چهارم بود، این بود که تبرج بحث حجاب را فقط می‌گوید یا التذاذ را؟ یا هردو را؟ اینجا هم گفتیم سه احتمال وجود دارد؛

### احتمال اول

اینکه مقصود از تبرج، همان حجاب باشد و منع از تکشف باشد. مقصود از تبرج همان تکشف الاعضا و المحاسن امام الاجانب است و نهی از آن یعنی ستر. این معنای اول بود که دقیقاً منطبق بر حجاب می‌شد، نه به شکلی که معنا چیزی باشد و کنایه بگیریم. معنای لَا تَبَرَّجْنَ یعنی لا تکشفنَ. با این توضیح که لغت می‌گوید تبرج اظهرت المرأه محاسنها و زینت‌ها امام اجانب و مقصود از زینت و محاسن هم همان اعضا است که تکشف از آن حرام است و زینت هم در آن حدی که زینت اصلی مقصود است یا اگر زینت خارجی می‌گیریم، یعنی در همان حوزه ستر است.

این احتمال اول؛ که آیه از آیات مربوط به حجاب می‌شود و حرمت تکشف می‌شود و مستحضرید که در حجاب و تکشف قصد و حصول التذاذ برای حرمت شرط نیست. بدون آن‌ها هم کسی نمی‌تواند برهنه بشود، سرش را نشان بدهد.

این احتمال اول بود که با ظاهر لغت هم سازگار بود و اختصاص به وجوب ستر و حرمت کشف پیدا می‌کند.

### احتمال دوم

نقطه مقابل این بود که ما وقتی این تبرج را می‌شنویم، این آیه را می‌شنویم، آن که به ذهن ما تداعی می‌کند که تبرج نکنید؛ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ، یعنی در مقام خودنمایی و اظهار خود برای تحریک و تهییج بر نیایید، آن معنای لغوی هم محفوظ؛ اظهرت المرأة زینت‌ها و محاسنها، محفوظ، اما زینت‌ها که معنای گسترده‌ای دارد؛ زینت داخلی و خارجی را می‌گیرد، آن جهت قصد التذاذ یا قصد تهییج، از این جاهلیت اولی استفاده می‌شود. **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾**، لَا تَبَرَّجْنَ افاده می‌کند که لا تظهرنَّ زینتکنّ و محاسنکنَّ امام الاجانب.

اما آن قید این، الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ است. طبق آنچه در نقل‌ها آمده است این است که زنها خودنمایی می‌کردند، اظهار زینت و خودنمایی می‌کردند برای آنکه دیگران را تهییج و تحریک کنند.

پس تمرکز آیه بر کشف و ستر نیست، آیه می‌خواهد بگوید خود را اظهار نکنید، اعم از اعضاء یا زینتها، زینتها معنای عام است، باید گفت بدون تکشف، با ستر هم اگر کسی بیاید برای تهییج خود را نشان بدهد، این نوعی اظهار الزینه است.

معنای جاهلیه الاولی؛

۱- این است؛ نفس خروج.

۲- اینکه در جاهلیه الاولی، در آن یک تهییجی وجود داشته است.

تردید بین آن دو بکنیم، قدر متیقن باید بگیریم، چیزی نیست که در این نقل‌های تاریخی که تکلیف را خیلی واضح بکند لذا قدر متیقن این است که جاهلیه الاولی یعنی برای تهییج بوده است.

البته به آن تعمیم و توسعه بحث سیاسی و اجتماعی را آوردیم ولی الان در تعمیم و توسعه بحث نمی‌کنیم، به همان جهت جنسی بحث می‌کنیم.

با این تکمله که عرض کردم در واقع گفته می‌شود این لَا تَبَرَّجْنَ فقط ناظر به آن خودنمایی در مقام تهییج است که کثیری از فقها هم این به ذهنشان آمده است و خیلی جاها برای این التذاذ و تهییج می‌گویند وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ، این بر اساس این وجه دوم و احتمال دوم در اینجا است.

### احتمال سوم

این است که بگوییم هر دو، بگوییم آیه شریفه هم حجاب را می‌گیرد و معنای اول را شامل می‌شود و هم معنای دوم. معنای موسعی را اراده بکنیم و آیه را تفسیر بکنیم و بگوییم معنای موسع است.

وجه سوم این می‌شود که بگوییم هر دو در آیه داخل است با یک تمهلی این‌جوری که بگوییم آیه شریفه می‌فرماید اظهار المرأة زینت‌ها و محاسنها، با آن شکل تبرج جاهلیت مراد هست، یعنی بگوییم آن معنای لغوی که اینجا وجود دارد که **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾** و جاهلیه الاولی را به معنای موسع بگیریم، یعنی کسی سر و سینه خود را باز کند و بیاید بیرون، بگوییم قید شهوانی در آن نیست.

در وجه سومی که جامع است، قید جاهلیت اولی آن طور نیست که در احتمال قبل گفتیم، بگوییم جاهلیه الاولی با نقل‌هایی که آمده است، معنای موسع را اراده می‌کنیم؛ یعنی بگوییم همین‌که کسی برهنه بیرون بیاید، این همان جاهلیة الاولی است؛ اگر این‌جور معنا بکنیم؛ **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾** همان تکشف می‌شود.

منتهی بگوییم این مسئله یک فلسفه‌ای دارد یا حکمتی در آیه است یا فحوایی در آیه هست که می‌گوید برهنه نیاید، بدون قصد التذاذ و تهییج، آیه تحریم می‌کند.

پس اگر قصد التذاذ باشد، ولو فراتر از کشف باشد، آن به نحوی در آیه وارد می‌شود یعنی بگوییم آیه مربوط به حجاب است، (همان احتمال اول) ولی احتمال دوم به طریق اولی یا با القاء خصوصیت مشمول آن می‌شود.

این احتمال سوم است که هر دو به نحو جامع یا به طریق التزام یا فحوا مشمول آیه است. منتهی این احتمال سوم یک مقدار مستبعد است.

آن که در این سه احتمال مقداری می‌شود ترجیح داد، این است که **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾**، همان احتمال دوم اظهر باشد یا لااقل از باب متیقن است که جاهلیت الاولی یعنی آن تهییج شهوانی و تبرج هم اظهار الزینه و المحاسن است. این در واقع آیه اشاره دارد به اینکه زن نباید اقداماتی در بیرون آمدن خود بکند که خودنمایی تهییجی در آن باشد، این که احتمال دوم باشد شاید ارجح باشد.

پس **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾** از میان این سه احتمال، احتمال دوم شاید ارجح باشد و مقصود از احتمال دوم این است که آیه از برون رفتن و خود نمایی در مقام تهییج و تحریک شهوانی نهی می‌کند.

احتمالاً این از آیه نسبت به معنای اول متبادرتر باشد و قابل قبول‌تر باشد.

معنای سوم که جمع بین دو معنا است، یک تمهلی در آن است که نمی‌شود خیلی به آن اطمینان پیدا کرد.

# خلاصه بحث

امروز این‌جور تنظیم کردیم گفتیم؛ چهار معنا متصور است؛ سه تا کنایی بود که کنار گذاشتیم.

معنای چهارم را می‌پذیریم که اظهرت المرأه محاسنها است، بعد گفتیم ذیل این دو سه مطلب هست؛

۱- اینکه آیا علاوه بر این معنای اولیه که از لغت استفاده می‌شود، یک توسعه معنایی به امور اجتماعی و سیاسی هم دارد یا ندارد؟ گفته می‌شود که دارد.

۲- این بود که در همان چارچوب معنای اصلی که قدر متیقن است، آیا این حجاب را می‌گوید؟ یا خروج و خودنمایی در مقام تهییج را می‌گوید؟ یا هر دو؟ که اینجا این دومی را ترجیح دادیم. از این حیث که کار به شأن نزول ندارد.

در واقع تطبیق بر شأن نزول از باب توسعه معنایی است که برای آن سه وجه فنی ذکر کردیم. با قطع از شأن نزول این یک قدر متیقنی دارد که در ارتباط مباحث روابط جنسی میان زن با نامحرم است.

منتهی این را می‌خواهیم بگوییم که این حیث از آیه؛ فقط حجاب را می‌گوید؟ که اعم است از اینکه تهییج در آن باشد یا نباشد، یا فقط تهییج را می‌گوید؟ اعم از این که موضوع حجاب از منظر شرعی باشد یا نباشد؟

بین اول و دوم عموم من وجه است، یا اینکه هر دو را می‌گوید؟ که ارجح آن معنای دوم است که این بعد شهوانی را بیان می‌کند، نه حجاب که اعم از آن مسئله است.

۳- این است که یک سؤال دیگری بعد از انتخاب این معنا مطرح می‌شود؛ معنا شد اقدام به خودنمایی در مقام تهییج و تحریک شهوانی نکنید.

سؤال این است که این قصدی است یا غیر قصدی؟ علت این است که دو حالت اینجا متصور است؛

# حالت اول

این است که زنی خودنمایی می‌کند امام الاجانب، برای تهییج شهوانی، به قصد تهییج، چون گاهی خودنمایی انجام شود ولی قصد او تهییج نیست و گاهی قصد است. اینجا بگوییم مقصود قصد تهییج است.

# احتمال دوم

این است که گفته شود آن تبرج و خودنمایی که موجب تهییج می‌شود ملاک است. ولو اینکه او قصد ندارد، البته برای اینکه تکلیف منجز شود، علم دارد، می‌داند او با این لباس و یا با این شکل بیرون برود، ولو حد نصاب شرعی حجاب را رعایت کرده است، اما موجب یک تهییج می‌شود. جماعتی از جوانان اینجا جمع هستند که اگر او با این شکل برود، ولو حد شرعی اولی را رعایت کرده است، اما موجب تهییج می‌شود، اما واقعاً او اهل این حرف‌ها نیست.

مثل کسی که در عرف جامعه خاص فلان کشور زندگی کرده است که حدود حجاب را رعایت می‌کند، کما اینکه در لبنان و ترکیه این‌چنین چیزی هست که حدود حجاب به شکلی واقعاً رعایت می‌کنند اما در یک محیطی برود که با این نوع حجاب اصلاً آشنا نیستند، می‌داند که این یک نوع تهییج ایجاد می‌کند اما او واقعاً متدین است و چنین قصدی را ندارد.

قصد نیست ولو اینکه علم یا احتمال آن هست، اگر کسی گفت قصد بالذات می‌خواهد، او قصد بالذات ندارد، قصد بالعرض دارد.

با توجه به این سؤال، اینجا این سه احتمال شبیه بحث قبلی اینجا مطرح است؛

اینکه بگوییم بعد از اینکه حمل کردیم لَا تَبَرَّجْنَ را بر جایی که مقام تهییج است، نه بحث حجاب، آن وقت در مطلب سوم باز سه احتمال مطرح است؛

۱- اینکه **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾**، تبرج با قصد تهییج باشد، آن وقت اختصاص به همان صورتی پیدا می‌کند که او به قصد تهییج این جور خودنمایی کرده است.

اظهار الزینه و المحاسن کرده است، أمام الاجانب به قصد تهییج. حتی ممکن است تهییج هم محقق نشود، ملاک قصد اوست، این تحریم شده است.

۲- این است که مراد این است که اقدام به خودنمایی که تهییج بر آن مترتب می‌شود، ولو او قصد نکرده است، این حرام است آن که تحریک و تهییج بر آن مترتب می‌شود این حرام است. چون در لغت و مفهوم قصد نیست، اظهرت المرأه محاسنها و زینت‌ها امام الاجانب، چون آن جاهلیه الاولی داشت و قدر متیقن داشت، اظهرت را مقید کردیم به آنجا که تهییج باشد و قصد در اینجا دخالت ندارد.

۳- احتمال سوم هم اینجا مطرح می‌شود که بگوییم هر دو را می‌گیرد.

بین احتمال اول و دوم عموم من وجه است، چون ممکن است این تهییج در مواردی باشد که هم تهییج فی الواقع هست و هم این زن آن را قصد کرده است، این قدر متیقن مشترک معنای اول و دوم می‌شود ولی ماده افتراق دارد آنجا که قصد هست ولی تهییج محقق نمی‌شود. این ماده افتراق معنای اول می‌شود

آنجا که تهییج محقق می‌شود ولی او قصد نکرده است، این ماده افتراق معنای دوم می‌شود.

اگر احتمال اول را می‌گرفتیم، بخشی از معنا را می‌گرفت، اگر احتمال دوم را می‌گرفتیم دو قسم دیگر را می‌گرفت.

احتمال سوم این است که هر دو، هر دو را که بگیرد؛ هر سه صورت را شامل می‌شود؛

۱- هم آنجا که قصد فقط هست.

۲- هم آنجا که تهییج فقط هست.

۳- هم آنجا که خودنمایی به قصد تهییج است.

یکی از این سه احتمال را باید پذیرفت، بعید نیست که احتمال سوم را اینجا ترجیح بدهیم. چون **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾**، آن که در معنا قرار دارد، این است که اظهار محاسن بکند امام الاجانب و جاهلیه الاولی را آن قدر مضیق نگیریم، بگوییم این اندازه که یا تهییج واقعی است، یا قصد است، این در جاهلیه الاولی داخل است. اعم از اینکه تهییج بکند ولو قصد نیست یا قصد بکند ولو آنکه آن محقق نشود.

لذا اینجا ارجح می‌دانیم که هر دو را بگیرد، ولی اگر کسی شبیه آن منطقی که در بحث قبل گفتیم، اگر کسی بگوید این جاهلیه اولی، نمی‌دانم معنای موسع است یا مضیق، من مضیق را می‌گیرم که یکی از این دو باشد. هر دو را نمی‌تواند بگیرد، اگر کسی این را گفت، همان احتمال دوم ارجح می‌شود برای اینکه **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾** ظاهر این است که عنوان قصدی در اینها نیست، آن واقعیت تهییج را منع می‌کند، می‌گوید کاری که موجب برانگیختگی شهوانی دیگران شود را پرهیز کنید. این منطبق بر احتمال دوم می‌شود.

اگر کسی از نظر فنی بخواهد مته به خشخاش بگذارد با بیانی که در بحث قبل گفتیم، بگوید یک قید جاهلیه اولی هست که نمی‌توانیم یقین بکنیم که هر دو را می‌خواهد بگوید، اگر یکی از آن اولی یا دومی را بخواهد بگوید، ظاهراً دومی است.

بعد از آنکه حد حجاب شرعی رعایت شد این تهییج و تبرج در محیط‌ها فرق می‌کند لذا آن حجابی که بعضی از زن‌های متدین در اروپا یا بسیاری از مناطق دنیا رعایت می‌شود که واقعاً حجاب شرعی رعایت می‌شود، لااقل قدر واجب آن رعایت می‌شود، در آنجا واقعاً تبرج صدق نمی‌کند ولی ممکن است همان در اینجا که محیط و فضا فرق می‌کند، تبرج صدق بکند.

بنابر این همان طور که در مسئله دوم از میان احتمالات احتمال دوم را ترجیح دادیم و گفتیم این آیه قاعده‌ای را می‌گوید، غیر از قاعده حجاب و به همین دلیل هم نسبی می‌شود، قاعده حجاب نسبی نیست، غیر الوجه و الکفین باید ستر بکند، اینجا و انحا ندارد، ولی این آیه چیز دیگری را می‌فرماید که به تفاوت عرف‌ها و محیط‌ها، متفاوت می‌شود.

در بحث سوم هم گفتیم که اینجا بحث قصد خیلی ملاک نیست، همان واقعیت تهییج مراد است و بعید نیست آن ملاک مسئله باشد.

این مجموعه مباحثی است که در این بخش از آیه مطرح شد.

# فتحصل مما ذکرنا

این است که **﴿وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَیٰ﴾** اشاره می‌کند به یک قاعده‌ای غیر از قاعده حجاب و آن قاعده تبرج است به این معنایی که عرض شد؛ یعنی خودنمایی در مقام تهییج و تحریک شهوانی، آن چیزی است که در اینجا مورد منع قرار گرفته است. این مقصود از آیه است.

قرن شد استحباب الاستقرار فی البیت، لَا تَبَرَّجْنَ هم شد خودنمایی در مقام تهییج شهوانی ممنوع است.

این دو قاعده شد که هیچ کدام منطبق بر حجاب نیست.

نسبت به اختلاط هم بین تبرج به این معنا و اختلاط به آن معنا که فی‌الجمله اول گفتیم و تفصیل کامل ندادیم و انجام خواهیم داد، بین آن و اختلاط هم، همان اختلاطی که تقارب نزدیکی افراد پیدا بکنند، بین آن و اختلاط به معنای عام آن، من وجه است، برای اینکه گاهی اختلاط هست و تهییج شهوانی بر آن مترتب نمی‌شود، گاهی در یک فضای درس و بحثی است، در یک زمانی که سالم بود، (در آن اوایل که ما دانشگاه می‌رفتیم واقعاً این‌طور بود، یعنی یک فضای سالمی بود که رفت و برگشتی که در این محیطی که داشتند، آن‌طور تهییجی در آن نبود) آن اختلاطی ممکن است باشد که تهییجی در آن نباشد، تبرج بر آن صادق نباشد.

و گاهی البته ممکن است اختلاط تهییج آمیز باشد و گاهی هم ممکن است تهییج باشد بدون اختلاط.

آن که اینجا ملاک است، آن خودنمایی مهیج است و این با اختلاط بینشان من وجه است، منطبق بر اختلاط نیست مگر اینکه کسی اختلاط را معنا بکند که آن تقارب و امتزاج مهیج که گاهی این‌جور معنا می‌کنند. این در قرنَ بود.

اما در تبرج، بین لَا تَبَرَّجْنَ و لا تخطلنَ من وجه است، الا اینکه اختلاط را معنایی بکنیم که از آن تهییج اخذ بکنیم.

تبرج خود نمایی مهیج است، آنجا که هنوز محقق نشده است، اگر مطمئن است که بر این تهییج مترتب می‌شود حرام می‌شود و اگر مطمئن نیست، حرام نیست.

تا حالا دلیلی بر اینکه اختلاط بماهوهو و بالذات حرام است، قطعا نداشتیم، کراهت هم اگر داشته باشد، بالعرض است، چون می‌گوید مستحب است در خانه باشد، همین که در خانه نیست که یک مصداق آن اختلاط است، آن کراهت پیدا می‌کند، اما کراهت همان‌ عدم الاستقرار است.

# مبحث ششم

برگشت به همان جمله اول این آیات است که **﴿لَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾[[1]](#footnote-1)** این آیه هم ممکن است مورد استشهاد قرار بگیرد، از حیث این **﴿فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾** به عنوان یک تعلیل عام که هر اقدامی که موجب برانگیختن طمع شهوانی باشد اشکال دارد.

1. . سوره احزاب، آیه 32. [↑](#footnote-ref-1)